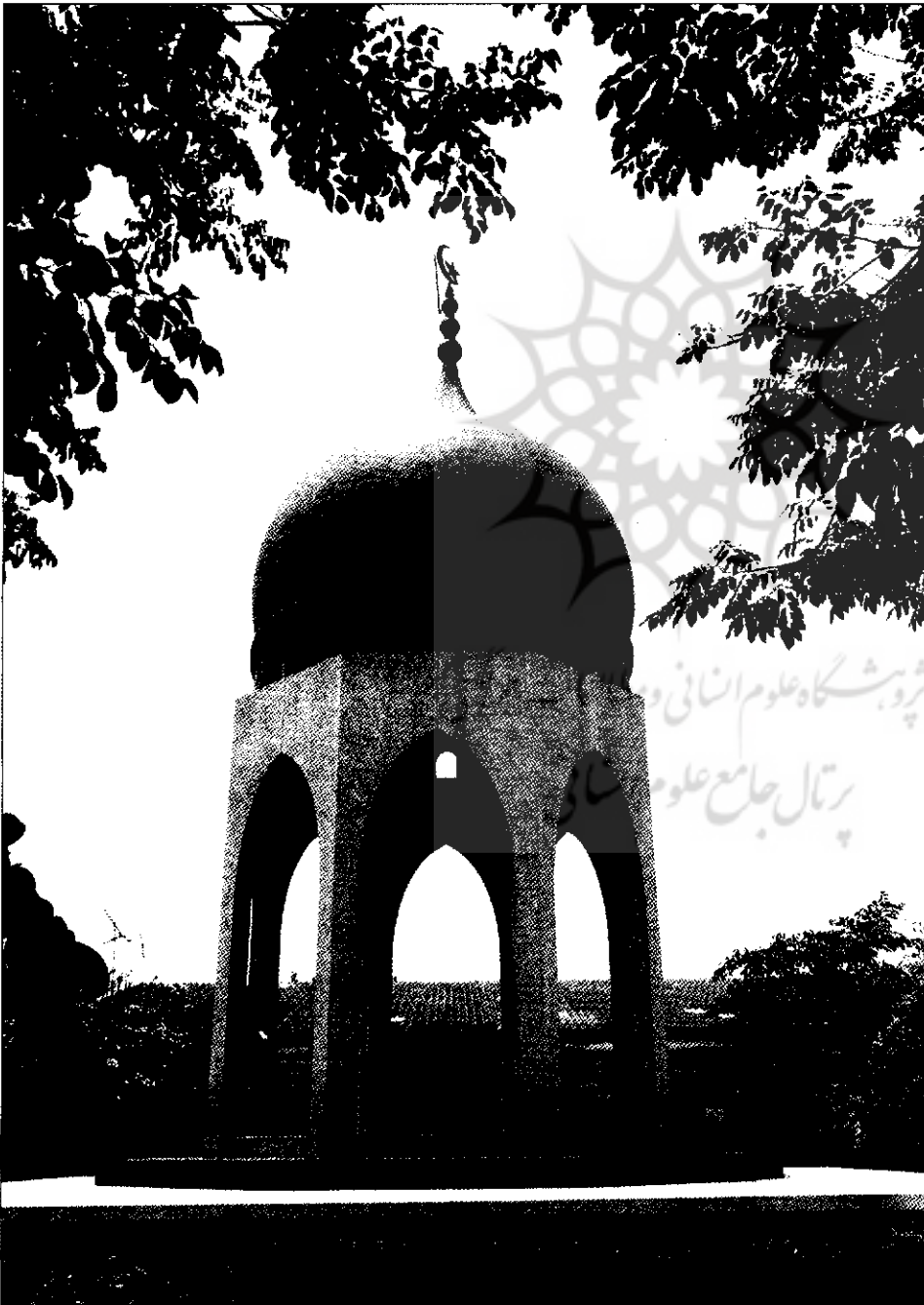


گزارش و پژوهش

# با شیخ احمد در آیوتایا

مسعود ترقی جاہ



بنای یادبود مقبره شیخ احمد در دانشگاه آیوتایا

## \* صدارت شیخ احمد در پایتخت سیام، در حدود بیست و پنج سال به طول انجامید و در طی این مدت، جامعه اسلامی این سرزمین ساختار منسجم و منظمی پیدا کرد.



عظیمی از مسلمانان با ملیتهای مختلف را به خود می خواند؛ چنانکه وقتی نماز برپا می شد، تمام دو طبقه مسجد و کوچه های اطراف، اکثراً از نمازگزاران بود. یاسین موتو خطبه های نماز رابه دو زبان تایلندی و انگلیسی می خواند و همین ابتکار موجب شده بود تقریباً تمام مسلمانان غیر تایلندی مقیم بانکوک، در روزهای جمعه، یکدیگر را در این میعادگاه باز یابند.

نماز که تمام شد، در خانه امام جمعه مهمان بودیم و اینجا دوباره سخن به شیخ احمد کشیده شد؛ شخصیتی که به قول یاسین موتو، بنیانگذار اسلام در تایلند است و برای افرادی چون او رهبر و مراد و مرشد محسوب می شود.

شیخ احمد واسطه ای بود تا یاسین موتو را از تایلند، از کشوری با هزاران کیلومتر فاصله، به سرزمین ایران، به قم، به مرکز مذهبی این سرزمین و به فرهنگ دینی و انقلابی آن وصل کرده، هویت مشترک همدینان این دو سرزمین را تجلی بخشد.

در تهران که بود؛ با افتخار از انتساب مسلمانان تایلند با شیخ احمد قمی سخن می گفت و آنجا در بانکوک نیز بر همین سخن تاکید می گذاشت؛ از دید او اسلام از سه طریق به سرزمین تایلند راه یافته بود؛ یکی از طریق جنوب تایلند و مهاجرت مسلمانان مالایی تبار به سرزمین تایلند، دوم از طریق شمال و به واسطه مهاجرت مسلمانان چینی تبار به این سرزمین و سوم که مهمترین منبع به شمار می آمد؛ مسئله حضور شیخ احمد در این سرزمین و به قدرت رسیدن او در دربار حکومتی "آیوتویا"<sup>۳</sup> (پایتخت سیام) و تأسیس نهضت دینی اسلام در این سرزمین به دست وی بود.

در تهران، هنگامی که از یاسین موتو خدا حافظی می کردم، اطلاعات چندانی نسبت به شیخ احمد، جز آنچه او تعریف کرده بود و اندکی که از دیگران شنیده بودم، در اختیار نداشتم و نمی دانستم این شخصیت تا چه حد در سرزمین دور دست تایلند، از اعتبار و احترام برخوردار است؛ چیزی که در همان نخستین روز ورود به بانکوک دریافتم!

پیش از آنکه در بانکوک با یاسین موتو ملاقاتی داشته باشیم؛ قرار دیدار از آیوتایا، پایتخت قدیمی امپراطوری سیام و شهری که مقبره شیخ احمد را در خود جای داده است، با دکتر "جاران مالولیم"<sup>۴</sup>، استاد علوم اجتماعی دانشگاه ماهیدول

نخستین بار در گفتگو با آقای یاسین موتو<sup>۱</sup> در هتل لاله تهران و طی برگزاری مراسم دهه فجر بود که با تاریخچه زندگی و موقعیت شیخ احمد قمی آشنا شدم.

آقای یاسین موتو، امام جمعه مسجد هارون در بانکوک است که برای شرکت در مراسم بزرگداشت دهه فجر به ایران سفر کرده بود و آنطور که خودش می گفت؛ حضور در ایران حادثه ای عجیب و فراموش ناشدنی در زندگی اش بوده است. صبح همان روزی که با او در یکی از اتاقهای هتل لاله گفتگو می کردم، از خانه مسکونی حضرت امام در جماران دیدن کرده بود و آنچنان که می گفت این دیدار تأثیر عظیمی بر روح و روانش گذاشته بود؛ برای موتو، آن اتاقهای محقر، آن فضای کوچک و آن سادگی اعجاب آور و سایل و لوازم زندگی؛ سادگی تمام آن چیزهایی که یکی از بزرگترین رهبران جهان را در خود جای داده بودند، چیزی نبود که بتوان به سادگی از آن گذشت. برای موتو، اینها نشانه تقدس و عظمت بود؛ تقدس یک رهبر و عظمت یک ملت؛ ملتی که چنین رهبری دارد. موتو صریحاً اظهار داشت که تنها در چنین شرایطی است که می توان حکومت اسلامی برپا کرد و آن را در سراسر جهان تبلیغ و ترویج نمود.

موتو شیفته این زندگی بود؛ شیفته روابط معنوی مردم با رهبر و مردم با خود؛ شیفته شکوه زندگی دینی، و این شیفتگی را چند ماه بعد، هنگامی که یک روز جمعه، در زمان برگزاری مراسم نماز و در کوچه های پیچ در پیچ اطراف مسجد هارون و در خانه مملو از جمعیتش در بانکوک، او را مجدداً ملاقات کردم، به طور جدی احساس کردم.

در آن روز جمعه، هنگامی که بدون خیر، وارد خانه یاسین موتو شدم و او را که برای برگزاری نماز آماده می شد، از حضورمان در بانکوک مطلع کردم، دریافتم که تا چه حد نسبت به ایران و فضای فرهنگی آن و مردم مسلمانش دلبستگی دارد. به گرمی پذیرایمان شد و با شادی، روزهای حضورش در ایران را به یاد آورد و بر رشته های قدرتمندی که مسلمانان این دو سرزمین را به هم می پیوست، تاکید کرد.

چند صد متر دورتر از خانه اش، در یکی از کوچه های پیچ در پیچ حاشیه رود عظیم "چائو فرایا"<sup>۲</sup> و در نزدیکی سفارت فرانسه، مسجدی دو طبقه وجود داشت که هارون می نامیدندش و اینجا میعادگاهی بود که روزهای جمعه خیل

## شیخ احمد برای مسلمانان پدر اسلام در تایلند به شمار می آید و برای بوداییان قدیسی روحانی که کراماتش پیروان ادیان غیر از اسلام را هم در بر می گیرد.

هفت قرن به تدریج در مناطق مختلف آن ساکن شده بودند؛ پس از نبردهای متعدد با مراکز قدرت مونها و خمرها در شمال و شرق و همچنین درگیری با عمال امپراطوری "سری و جایا" در جنوب، توانستند قدرت را در دست گرفته، شهر آیوتایا را به عنوان پایتخت خود برگزینند.

آیوتویا از جهات مختلف، یک منطقه استثنایی به شمار می آمد و همین خصوصیات استثنایی به آن امکان داد تا به سرعت نفوذ خود را بر منطقه گسترش بخشد. در حالی که در میانه خشکی قرار داشت، بواسطه سه رودخانه بزرگ "چائو فرایا"، "پاساک" و "لوپ بوری" <sup>۷</sup> محاصره شده بود. همچون یک جزیره جلوه می کرد و همین امر از جهت نظامی یک مزیت به شمار می آمد. در عین حال به دریا نیز بسیار نزدیک بود و ارتباطی که بواسطه سه رودخانه بزرگ با دریا داشت به آن امکان می داد تا از جهت تجاری قابلیت ویژه ای داشته باشد.

در نیمه قرن شانزدهم، برمه ای ها بر آیوتایا سیطره یافتند و آن را به انقیاد خود در آوردند؛ اما پس از جنگهای زیرزمینی و چریکی که به رهبری ناراسون <sup>۸</sup> انجام گرفت، تایلندیها موفق شدند تا مجدداً استقلال آیوتایا را به دست آورند و ناراسون <sup>۸</sup> مکان یافت تا در ۱۵۹۰، سلطنت را در این شهر برقرار سازد.

رونق دوباره آیوتایا در طی مدت حکومت ناراسون باعث شد تا ارتباطات بازرگانی با این شهر تجارتهای شدت گیرد و گروههای زیادی از تجار اروپایی، عرب و ایرانی بدانجا رهسپار شوند.

تقریباً در پایان قرن شانزدهم و تقریباً دهسال پس از آغاز سلطنت ناراسون بود که یک کشتی زیبا و بزرگ ایرانی به آرامی از خلیج سیام وارد رودخانه "چائو فرایا" شد و پس از یک سفر پر مخاطره به قصد توقف، رهسپار آیوتایا گشت.

مدیریت کشتی بر عهده مردی پنجاه ساله، بود که مسافری کشتی او را "شیخ احمد قمی" می نامیدند و به خاطر هوش و ذکاوت و همچنین تسلطش بر چندین زبان خارجی، می ستودند. او توسط تعدادی از تجار و ملاحان که برادر کوچکترش محمد سعید نیز در میان آنان بود، همراهی می شد. اطلاعات کمی از آینده ای که در انتظارشان بود، داشتند، اما مصمم بودند تا در این سرزمین ناشناخته ساکن شوند و فعالیتی بزرگ را به انجام برسانند. کشتی به آرامی به سوی قلعه



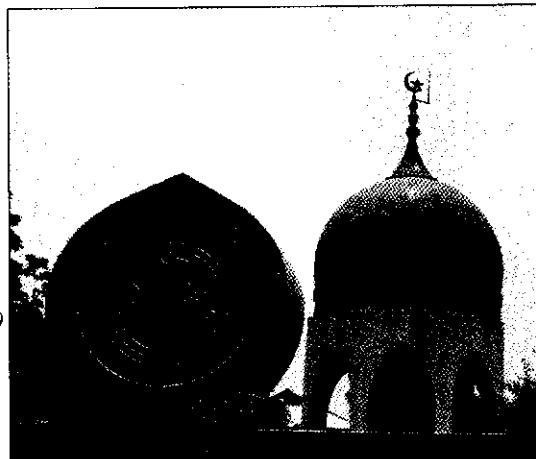
تصویری از آثار تاریخی آیوتایا

بانکوک گذاشته شد.

دکتر مالولیم، از مسلمانان تایلند بود که در دانشگاههای این کشور به تدریس موضوع مقایسه ادیان اشتغال داشت و غیر از محل کارش، هر جمعه می توانستی او را در گروه نمازگران مسجد هارون پیدا کنی. مالولیم خود از اهالی مناطق اطراف آیوتایا بود که در حدود هفتاد کیلومتری شمال بانکوک واقع شده بود. به همین سبب قرار بر این شد تا به همراه مالولیم از مقبره شیخ احمد قمی و ابنیه تاریخی این پایتخت قدیمی دیدن کنیم.

تاریخ آیوتایا، که اینک مهمترین شهر تاریخی تایلند محسوب می شود و مکانی دیدنی و توریستی است، به اواخر قرن سیزدهم میلادی باز می گردد و این دوران همزمان بود با سیطره قوم تایی بر سرزمین سیام.

تا پیش از سده سیزدهم، اقوامی چون "خمرها" و "مونها" بر سرزمین کنونی تایلند مسلط بودند، اما در این سده، تائیها که از قرن پنجم میلادی راهی این سرزمین شده بودند و در طی



سر لوحه سنگ نوشته مقبره شیخ احمد قمی

"پیم پتر" روان شد که در محله "دائی کو" ۱۰ در تلاقی دو رودخانه "پاساک" و "چائوفرایا" قرار داشت. منطقه‌ای باریک که سه کیلومتر طول دارد و ساحل هر دو رودخانه محسوب می‌شود. در حالی که ساحل غربی رود، منطقه مسکونی شهر به شمار می‌آمد، ساحل شرقی عمدتاً از معابد بودائی بزرگ و کوچک و محله‌های مسکونی ماجراجویان خارجی آکنده بود. شیخ احمد و یارانش نیز همچون دیگر خارجیان، نخست راهی این منطقه شدند و بادیگر خارجیان در آمیختند؛ خارجیانی که همگی در صدد به دست آوردن بخت و اقبال و ثروت بودند، اما مقام و موقعیت هیچ کدامشان به پای شیخ احمد نمی‌رسید.

شیخ احمد قمی در محله پائین شهر قم در سال ۹۲۲ قمری (۱۵۴۳ میلادی) متولد شده بود. سالهای اولیه زندگی رابه تحصیل دروس اسلامی مشغول و پس از مدت زمانی کوتاه به لقب شیخ ملقب گشته بود. دوران جوانی شیخ احمد، مقارن بود با تأسیس سلسله صفویه در ایران؛ سلسله‌ای که مذهب شیعه را رسماً پذیرفت و با این پذیرش موجبات تقویت حوزه‌های علمیه شیعی در ایران فراهم شد.

چندی نگذشت که با استحکام قدرت سلسله صفوی و توسعه روابط ایران با دیگر کشورهای جهان، هیئتهای مذهبی و تجاری از ایران به سوی دیگر کشورها رهسپار شدند و همچنانکه از لبنان، گروهی از علمای شیعه به ایران دعوت شدند، گروهی از طلاب و روحانیون ایرانی همراه با تجار و جهانگردان علاقمند برای تبلیغ و تجارت بسوی دیگر کشورها به راه افتادند. یکی از این افراد شیخ احمد قمی بود که هم در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده بود و هم دستی در تجارت داشت.

گرچه در این باب که آیا مقصد اولیه کاروان شیخ احمد همان سیام بود، یا وی در آغاز منطقه دیگری را در نظر داشته و سپس به سوی سیام رهسپار شده اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما به هر حال شواهد تاریخی از این نکته حکایت دارند که آنان از اوضاع این منطقه جغرافیایی بی‌اطلاع نبوده‌اند و آن را می‌شناخته‌اند.

تاریخ نویسان معتقدند که در آن زمان به دلیل حضور زیاد نمایندگان خارجی، جو آزادانه‌ای برای فعالیت‌های تجاری - فرهنگی در پایتخت سیام بوجود آمده بود و دولت به کسانی



بنایی باقی مانده در فضایی که قرنهای پیش، قصرچاندراقامم در آن قرار داشت.

که در صدد فعالیت‌های مذهبی بودند چندان سخت نمی‌گرفت. همین موقعیت موجب شد تا شیخ احمد بتواند یک فعالیت دوگانه تجارتي - مذهبی را آغاز کرده و پس از یک دهه فعالیت پر تلاش تجارتي و مذهبی گروه "چائوسن" ۱۱ را بوجود آورد؛ گروهی که او را در تبلیغ آئین اسلام و روابط بین‌المللی یاری می‌دادند.

پس از ده سال اقامت در آبتابا، شهرت وی در شهر چندان زیاد شده بود که خانواده‌های معروف و بزرگ شهر در آرزوی ملاقات با وی و همکاری با او در امور تجارتي و فرهنگی بودند. در همین زمان مقدمات ازدواجش با یک خانم جوان و از خانواده‌ای متشخص بنام "آب چوای" ۱۲ فراهم شد. از این وصلت یک دختر و دو پسر حاصل آمدند. پسر بزرگتر "چوئن" ۱۳ نامیده شد و پسر کوچکتر پیش از اینکه به ده سالگی برسد درگذشت. دختر نیز "شی" ۱۴ نام داشت و با این فرزندان نخستین شاخه خانواده تایلندی تبار شیخ احمد قمی شکل گرفت.



## \* شیخ احمد در محله پائین شهر قم در سال ۹۲۲ قمری (۱۵۴۳) متولد شد و پس از تحصیل دروس اسلامی در این شهر در جوانی راهی سیام شد و در آیوتایا اقامت گزید.

با توسعه نفوذ شیخ در دربار، شاه لقب *Chaophaya phra klang* را به سرپرستی گمرک، روابط اقلیتهای خارجی و مدیریت بندر منصوب کرد. به عبارت دیگر او دومین فرد پس از وزیر امور خارجی و بازرگانی شده بود.

هنگامی که نزدیکترین دوستش چاموئن سورا ساکتی که در آن هنگام لقب *Chaophaya phra klang* داشت، درگذشت، شیخ احمد به جانشینی وی منصوب شد. نکته جالب اینجاست که تا هشت نسل، تمام جانشینان شیخ احمد در این منصب، همگی از فرزندان او بودند.

چندی نگذشت که جامعه مسلمانان سیام، از حیث نفوذ سیاسی و فرهنگی اعتبار قابل توجهی پیدا کرد. دوستان و پیروان شیخ احمد توانسته بودند کلاسهای مذهبی را برای خارجیان و همچنین اهالی مقیم آیوتایا برگزار کنند و بوسیله همین کلاسها بر تعداد تازه مسلمانان منطقه، به سرعت بیفزایند. حضور شیخ احمد در دربار سیام موجب شده بود تا تجار مسلمان به راحتی بتوانند به منطقه رفت و آمد کرده و از امتیازات بازرگانی مناسبی برخوردار شوند. در این زمان شبه جزیره مالزی تقریباً به تسلط کامل هلندیها درآمده بود و ساکتین مسلمان این منطقه که در امور سیاسی و اجتماعی خود دچار مشکل شده بودند، با توجه به حضور یک وزیر قدرتمند مسلمان در حکومت سیام، توجه خود را بسوی شمال معطوف و به این سرزمین مهاجرت می کردند.

شیخ احمد موفق شده بود تا با یک سیاست زیرکانه، ضمن حفظ روابط تجاری با هلندیها و انگلیسها، بر موقعیت تجاری مسلمانان در آبهای خلیج سیام و دریای جنوب چین رونق بخشد و همین نکته به تقویت جامعه اسلامی سیام منجر شده بود. با توسعه کمی و کیفی نفوذ جامعه مسلمانان سیام، شاه در صدد برآمد تا آنها را به عنوان یک اقلیت رسمی مورد شناسایی قرار دهد و در این شناسایی نقش شیخ احمد، نقشی تعیین کننده بود. به این ترتیب شیخ احمد علاوه بر سمتهای اداری و تجاری و سیاسی، به سمت رئیس جامعه مسلمانان سیام نیز منصوب و بعدها به عنوان نخستین شیخ الاسلام سرزمین سیام (تایلند) شناخته شد. عنوان مذهبی وی در این زمان *Chao phya sheikh Ahmad Rattana Dhibodi* بود.

موقعیت تجاری شیخ احمد باعث شد تا از سوی تعدادی از بازرگانان به عنوان رئیس صنف انتخاب شود و همین انتخاب به او امکان داد تا هر چندگاه یکبار به دیدار شاه رفته امتیازات مهمی برای رونق کارهای خود و یارانش درخواست نماید.

نارسوئن کبیر در این هنگام در گذشته بود و برادرش "اکاتوت ساروت" ۱۵ به قدرت رسیده بود و از آنجایی که وی برخلاف برادرش به فعالیتهای نظامی علاقه چندانی نداشت و بیشتر به توسعه اقتصادی آیوتایا می اندیشید، طبیعی بود که موقعیت برای تجاری که از هوش و ذکاوت فراوان در توسعه بین المللی تجارت منطقه برخوردار بودند، مناسب باشد و راه برای بسط قدرتشان فراهم شود.

به دلیل دوستی نزدیکی که بین شیخ احمد و یکی از درباریان به نام "چاموئن سورا ساکتی" ۱۶ ایجاد شده بود، رفت و آمد وی به دربار شدت یافت و این موقعیت را پیدا کرد که از نزدیک در جریان تحولات داخلی دربار که پس از سلطنت "اکاتوت ساروت" با درگیریهای سیاسی میان شاهزادگان مواجه شده بود، قرار بگیرد.

درست در همین زمان، استعمارگران هلندی و در کنار آنها سیاستمداران انگلیسی نیز به منطقه وارد شده بودند و رقابت شدید سیاسی و تجاری میان نیروهای استعمارگر بزرگ و تجار و صاحب منصبان سیامی ایجاد شده بود. شیخ احمد که مردی زیرک بود، خود را از درگیر شدن در این رقابتهای پیچیده و خطرناک دور نگه داشت و کوشید تا به تبلیغات اسلامی خود گسترش بخشد.

در فضای آشفته سیاسی سیام در سالهای ۱۶۰۵ تا ۱۶۱۵ چاموئن سورا ساکتی، توانست نفوذ خود را بر دربار افزایش دهد و در سالهای ۱۶۰۹ و ۱۶۱۰ به عنوان یکی از مهمترین متنفذانی که بر تخت نشست "سونگ هام" ۱۷ یاری رساندند کنترل امور را در دست بگیرد. شاه وزارت امور داخلی و مدیریت تجارت خارجی را به وی سپرد و او نیز مسئولیت مدیریت امور اقلیتهای خارجی را به عهده شیخ احمد گذاشت. بی تردید، موقعیت فرهنگی و تجاری شیخ احمد، همراه با شخصیت نمونه اش در روابط اجتماعی، تاثیر فراوانی در بدست آوردن سمت مشاورت وزیر و مدیریت توسعه بندر و گمرک آیوتویا، داشته است.



نزدیکتر می‌گشت، زیباتر و خنک‌تر می‌شد؛ و همین خصیلت جغرافیایی موجب شده بود تا سلاطین گذشته، این منطقه را به عنوان مقر حکومتی انتخاب کنند، گرچه خصوصیات استراتژیکی منطقه نیز در این انتخاب تأثیر داشته‌اند.

آیوتایا در حال حاضر شهری است توریستی که مهمترین معابد، کاخها و ابنیه قدیمی تایلند را در خود جای داده است. شهری که تاریخی پر تلاطم را تجربه کرده و آثار این تاریخ پر تلاطم را بر شکل و شمایل ابنیه خود بر جای گذاشته است. نخست از کناره رودهای چائوفرایا و پاساک دیدن کردیم تا به محله دابی‌کوو لنگرگاه پوم‌پتر برسیم و محلی را که کشتی شیخ احمد در آن لنگر انداخته بود، از نزدیک ببینیم. البته مکانها تغییر کرده بودند و آنچه در قرن شانزدهم میلادی بوده است، با آنچه اکنون می‌توانستیم ببینیم، تفاوت بسیار داشت. سپس در جستجوی قصر سلطنتی شاه سونگ دووم برآمدیم که شیخ احمد نخستین سمت عالی رتبه حکومتی‌اش را در آنجا بدست آورده بود؛ از این کاخ جز فضایی وسیع و ساختمانهایی نیمه مخروبه و درختانی سرسبز که در محیط پراکنده بودند، چیزی باقی نمانده بود و تنها، ساختمانی بیلاقی که قرن‌ها بعد در محل ساخته شده بود؛ به صورت سالم وجود داشت.

در حقیقت پس از هجوم سهمگین برمه‌ای‌ها به آیوتایا در سال ۱۷۶۷ که به سوزاندن شهر انجامید، بسیاری از ابنیه مهم شهر، از جمله کاخ سلطنتی سونگ دووم یا قصر چاندرافاسم<sup>۲۰</sup> که توسط ناراسونن کبیر ساخته شده بود، نابود شدند و جز سنگ پاره‌هایی از آنها باقی نماند. این وضعیت در مورد مسجد طلایی که توسط شیخ احمد در مرکز شهر آیوتایا ساخته شده بود نیز صدق می‌کند و انهدام این مسجد یکی از مهمترین دلایلی بوده است که تاریخچه زندگانی وی، از قرن هجدهم تا سده بیستم - که محققان مجدداً در صدد تحقیق برآمدند و به تدریج مآثر شیخ احمد و شجره‌نامه وی را تکمیل کردند - مفقود و مجهول بماند.

از کناره ابنیه بجا مانده از قرون شانزده و هفده و معابد سنگی بزرگ بودایی که بگذریم به محوطه دانشگاه تربیت معلم آیوتایا خواهیم رسید که بنا برگفته دکتر مالولیم، یکی از مهمترین دانشگاه‌های تایلند است و در فضایی وسیع و سرسبز بنا شده است؛ دانشگاهی که بنا بر بعضی روایات

چندی نگذشته بود که یک توطئه بزرگ سیاسی در آیوتایا بوقوع پیوست. توطئه‌ای که عمدتاً توسط خارجی‌ان و بخصوص گروه ماجرا جویان ژاپنی هدایت می‌شد. این یک موقعیت خطرناک برای شیخ احمد بود، چرا که وی رسماً مسئولیت ارتباط و اداره امور بیگانگان مقیم در آیوتایا را به عهده داشت. شیخ احمد که از توطئه آگاه شده بود، با زیرکی طرفداران خود را به مقابله با توطئه فرا خواند و به سرعت بر شورش مسلط شد. شواهد تاریخی از این نکته حکایت دارند که حضور یک جامعه قوی اسلامی در امپراطوری سیام، گروهی که از حیث فرهنگی و اجتماعی در جهت مقابل دیگر خارجی‌ان مقیم آیوتایا قرار داشتند، مهمترین دلیل شکست توطئه خارجی‌ان بوده است.

سلطان که به هنگام توطئه، سلطنت خود را از کف رفته می‌دید، و اینک بر اثر زیرکی شیخ احمد موفق شده بود تا آن را مجدداً تحکیم بخشد، علاوه بر سمتهای قبلی شیخ، او را به سمت وزارت امور داخلی و ریاست خزانه سلطنتی و امور داخلی و خارجی نیز منصوب کرد. در حقیقت این نخستین بار بود که فردی بیگانه توانسته بود چنین مقامی را در امپراطوری سیام بدست آورد.

پس از واگذاری سلطنت به شاه "سومدای فارا چائو سونگ دووم"<sup>۱۸</sup>، "چائو شیخ احمد را تانادیبودی" همچنان مقام و نفوذ را خود در دربار حفظ کرد و طی مدتی در حدود بیست و پنج سال (۱۶۵۴-۱۶۳۰) به عنوان نخست وزیر سیام به مأموریت‌های اداری و مذهبی خود ادامه داد. طی این مدت، سیام دورانی آرام را با همسایگانش سپری کرد و این عصر، عصر رونق تجاری و سیاسی سیام و همچنین رونق جامعه اسلامی این سرزمین بود.

شیخ احمد، به مدت سلطنت شش شاهان آیوتایا از شاه سومدای فاراچائو سونگ دووم تا شاه سومدای فاراچائو نارائی ماهارج<sup>۱۹</sup> (۱۶۸۸ - ۱۶۵۶) در مهمترین و بالاترین مناصب حکومتی سیام قرار داشت و هنگامی که به علت کهنولت از سمتهای رسمی خود استعفا داد و شغل‌هایش را به پسرش واگذار کرد نیز، همچنان به عنوان وزیر بازنشسته دربار و شیخ‌الاسلام سیام، نفوذ و اعتبارش را حفظ کرده بود.

مسیری که بانکوک را به آیوتایا وصل می‌کرد؛ هرچه از پایتخت فعلی دورتر و به پایتخت قدیمی سیام (تایلند)

## \* از اوایل دهه هفتاد میلادی، تلاش برای بازسازی مقبره شیخ احمد شدت گرفت و پس از دهسال کوشش این مقبره در دهه هشتاد، برای بازدیدکنندگان قابل بهره‌برداری بود.

سنگ قبر شیخ احمد قمی؛ هر روز گل‌های تازه‌ای بر روی قبر گذاشته می‌شود

تاریخی، درست در مکانی که قرن‌ها پیش مسجد طلایی قرار داشت، ساخته شده و بنا بر همین روایات، مدفن اصلی شیخ احمد را نیز در خود جای داده است.

اگر چه نام و شخصیت شیخ احمد، چه به عنوان پدر اسلام در تایلند برای مسلمانان این سرزمین، و چه به عنوان یک قدیس روحانی برای بوداییان این کشور، طی قرون پس از سده شانزدهم، نامی شناخته شده و شخصیتی مشهور بوده است، اما آنچه مردم این سرزمین طی قرون هجدهم تا بیستم میلادی از وی می‌دانستند، جز اطلاعات کلی و غیر مدون نبوده است و از آنجا که مقبره وی نیز بر اثر نابودی شهر در سده هجده، از بین رفته بود، مکانی برای ادای احترام و یادآوری تاریخی‌اش وجود نداشته است.

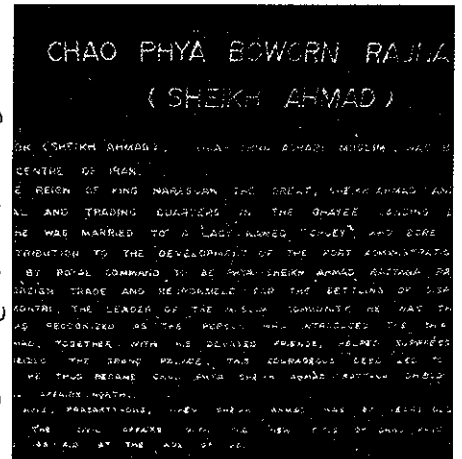
این امر تا اوایل سده حاضر ادامه داشت تا اینکه در آغاز قرن نوادگانش تصمیم گرفتند اسناد و اطلاعات مربوط به وی و فرزندانش را جمع‌آوری کرده، شجره نامه او و خاندانش را که تا ده نسل از مقامات عالی رتبه سیاسی و مذهبی این کشور به شمار می‌آمدند، تنظیم و ترسیم نمایند.

بر اساس روایات شفاهی، مقبره وی در محوطه مسجد طلایی قرار داشته است. پس نخستین تلاش، تلاش برای یافتن محل دقیق این مسجد بوده است.

در سال ۱۹۳۰، شخصی بنام احمد چولا که از نوادگان خود شیخ بود، موفق شد تا مکان واقعی مسجد را بیابد، اما از سنگ قبر شیخ اثری بدست نیاورد. جستجو در دهه‌های بعد نیز ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۹۶۵ نشانه‌های مطمئن‌کننده به دست آمدند. چندی بعد اطلاعات مربوط به خاندان شیخ احمد و شجره نامه وی تنظیم شد و نوادگان وی که از دو گروه مسلمان و بودایی تشکیل می‌شدند، به اتفاق یکدیگر برای بازسازی مقبره شیخ و انتشار زندگینامه وی تلاش کردند. از اوایل دهه هفتاد، تلاش برای بازسازی مقبره شدت گرفت و نهایتاً در ۱۹۷۳ با مساعدت مقامات شهر آیوتایا، مقدمات بازسازی مقبره شیخ احمد در محوطه دانشکده تربیت معلم این شهر فراهم شد. گرچه کار بازسازی در حدود دهسال به طول انجامید، اما نهایتاً این مکان در دهه هشتاد برای بازدید عموم آماده بود.

در حال حاضر، مقبره شیخ احمد قمی، به عنوان مقبره یکی از مهمترین شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی تایلند، در





بخشی از نوشته مقبره شیخ احمد قمی

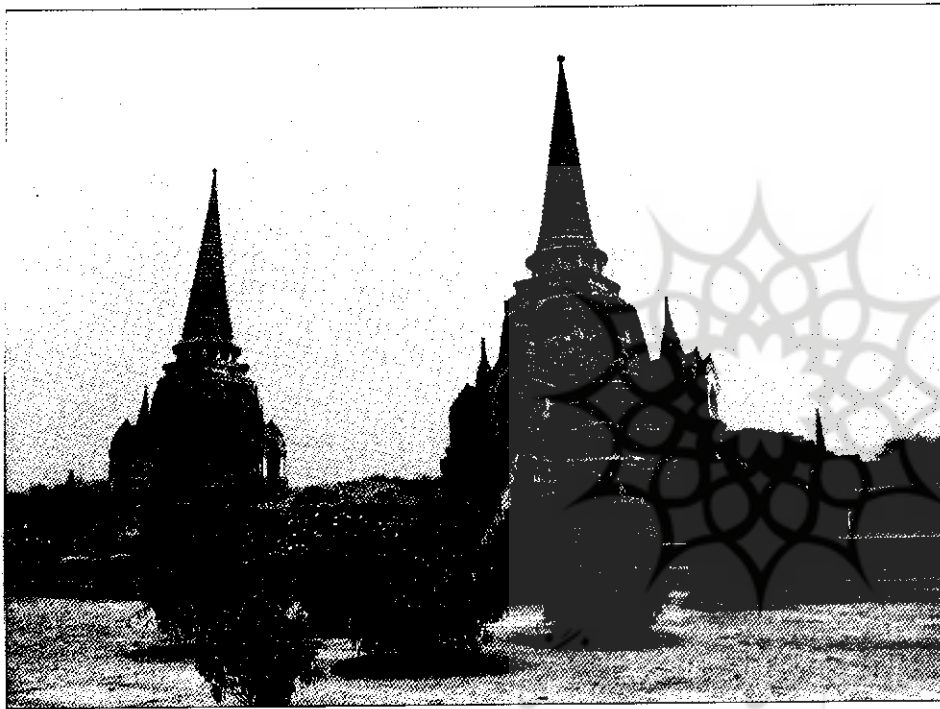
بعیدی از معابد عصر صدارت شیخ احمد در آیوتایا

دانشکده تربیت معلم شهر آیوتایا قرار دارد و با یک بنای اسلامی، مشابه با آنچه در ایران و در مقابر شخصیهایی چون ابوعلی سینا، سعدی و حافظ به چشم می‌خورد، تزئین شده است. گنبد طلایی رنگ بنا و معماری ویژه‌اش به خوبی فرهنگ اسلامی و هویت مذهبی شخصیت شیخ احمد را بازگو می‌کند و کتیبه‌ای سنگی، در مقابل مقبره قرار دارد که به صورتی مختصر اما دقیق، زندگینامه وی را برای زائران باز می‌گوید. در این کتیبه سنگی زیبا که به زبان انگلیسی و تایلندی حکاکی شده، چنین آمده است: «شیخ احمد، نخست وزیر دولت تایلند در آیوتایا، در محله پایین شهر در شهر قم، مرکز اسلامی ایران، در سال ۱۵۴۳ (م) متولد شد؛ شیعه اثنی عشری بود و در زمان شاه نراسون کبیر به آیوتایا مهاجرت کرد...»

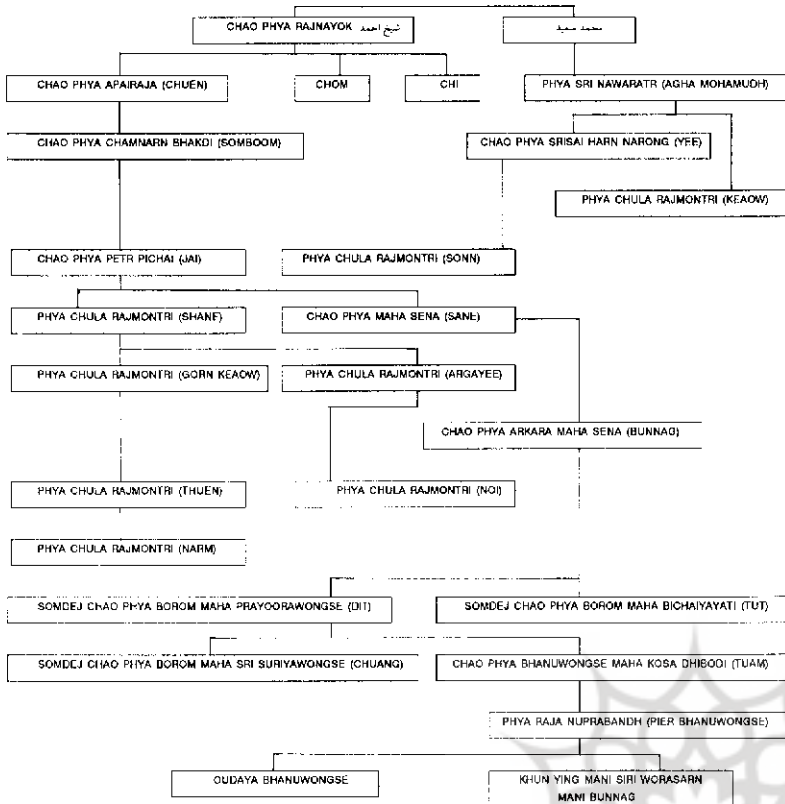
به مقبره شیخ احمد که سنگری، سنگ قبر سفیدی را خواهی دید که از مرمر سفید به ارتفاع بیش از یک متر ساخته شده و با گلهای رنگارنگ تازه تزئین شده است. گلهایی که هر روز عوض می‌شوند و جای خود را به گلهای تازه‌تری می‌دهند. در کناره سنگ قبر، گاهگاه عودی روشن خواهی یافت که به زائران غیر مسلمان تعلق دارد و هنگامی که حکایت را از دکتر مالولیم می‌پرسی، می‌گوید: «گرچه شیخ احمد، پدر اسلام در تایلند و نخستین شیخ الاسلام این سرزمین بوده است، اما کرامات و عنایاتش از محدوده پیروان دین اسلام نیز فراتر می‌رود و بوداییان منطقه را نیز در بر می‌گیرد؛ به طوری که بسیاری از بوداییان حاجتمند با علم به اینکه وی شخصی مسلمان بوده، به زیارت مقبره‌اش می‌آیند و از او حاجت می‌خواهند» و این نکته را ما بارها بر سنگ قبر دیگر شخصیهایی مسلمان مدفون در سرزمین سیام (تایلند) مشاهده کردیم.

نفوذ شخصیت معنوی شیخ احمد، در تایلند چنان است که وقتی شما از شمال به جنوب مسافرت می‌کنید و از شهرها به روستاها می‌روید و با مردمی ملاقات می‌کنید که اطلاعات چندانی از اوضاع جغرافیایی سیاسی جهان و به همین دلیل تصور درستی از موقعیت ایران در ذهن خود ندارند، به راحتی می‌توانید با ذکر نام شیخ احمد و توضیح اینکه او فردی ایرانی بوده است و از شهر قم بدین سو مهاجرت کرده، رشته الفت را بین خود و روستاییان آن مناطق دور دست برقرار سازید.

برای جامعه تایلندی، شخصیت شیخ احمد، شخصیتی است چند بعیدی؛ برای روستاییان و مسلمانان مقیم در کپرها و برنجزارها و جنگلها، شیخ احمد رهبری است مقدس که اسلام را از دور دستها بر ایشان هدیه آورده است؛ شخصیتی که اطلاعات چندانی از زندگی او ندارند، اما همان اطلاعات کلی برای احترام و عزت به او کافی است. برای بوداییان، قدیسی است روحانی که گرچه مذهبی دیگر دارد، اما کراماتش او را جاودانه کرده است و بدین سبب دوستش دارند و از او حاجت می‌خواهند. و برای اهل تحقیق، شخصیتی تاریخی، مذهبی، سیاسی است، که اعقابش تا پایان جنگ جهانی دوم در موقعیتهای مهم سیاسی، نظامی و اجتماعی این سرزمین، قدرت داشته‌اند و فرزندانش تا چهارده نسل به عنوان شیخ الاسلام سرزمین تایلند، بر جامعه اسلامی این کشور - که هم اکنون حدود ۸ میلیون جمعیت را در بر می‌گیرد - سمت رهبری داشته‌اند. روایات تاریخی چنین نقل می‌کنند که آخرین فرد از اعقاب شیخ احمد که این سمت را به عهده داشته،

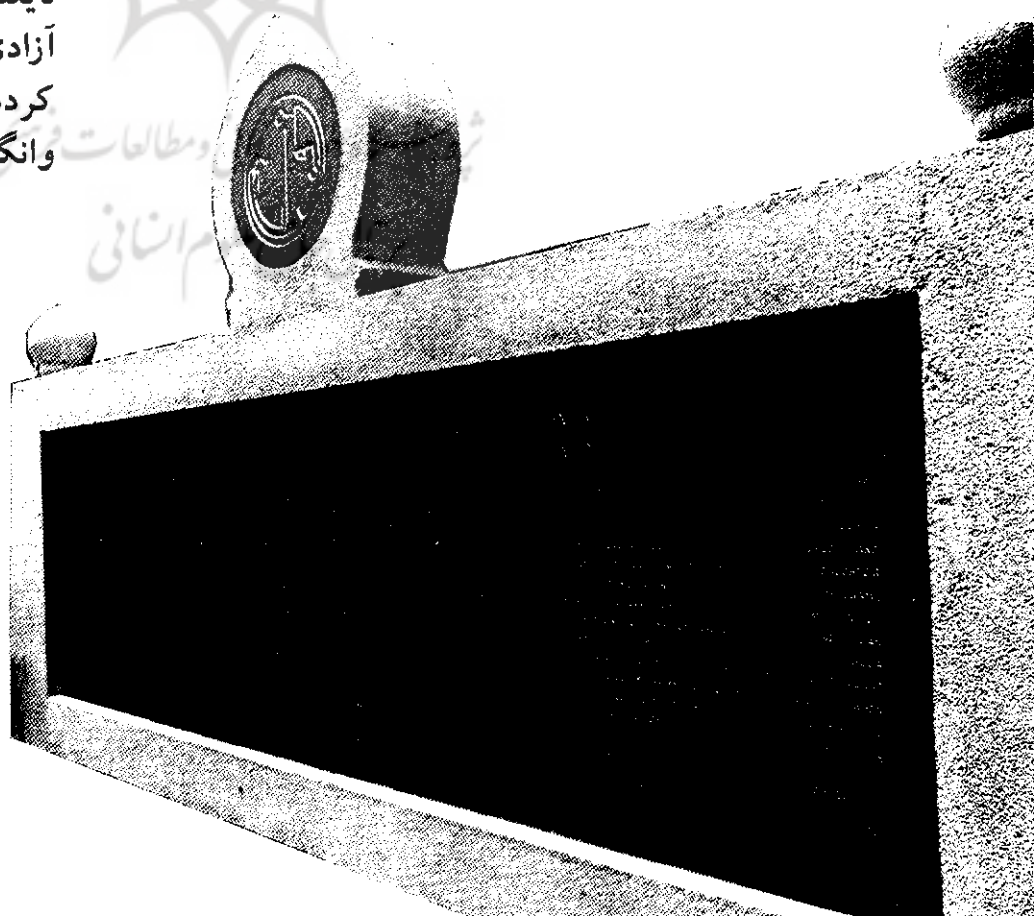




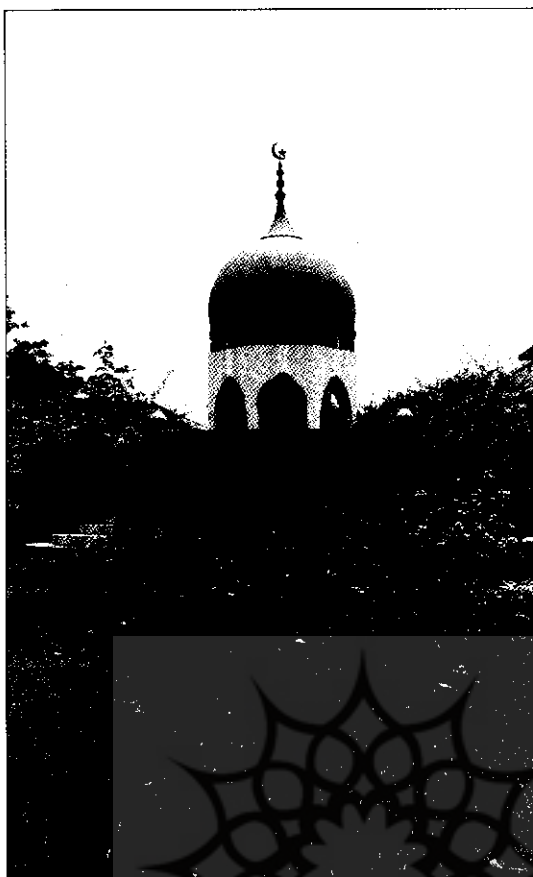


سورن احمد چولا<sup>۲۱</sup> بوده است که تا سال ۱۹۳۲ در این عنوان باقی بوده است. پس از وی، پسر بزرگترش حاجی کیاسا چولارات<sup>۲۲</sup>، به عنوان رهبر گروه شیعیان ۱۲ امامی تایلند یا «چائوسن سکت»<sup>۲۳</sup> برگزیده می‌شود که از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۲ در این سمت باقی ماند و در ۱۹۷۳ به عنوان نماینده جامعه اسلامی تایلند، به رهبری مسلمانان به مراسم حج عزیمت می‌کند. اعقاب شیخ احمد، در گروه شیعیان همچنان باقی هستند و در گروه بوداییان نیز، آثانی که خود را از نسل شیخ احمد می‌دانند، با گروه مسلمانان همکاری دارند. مورخین و شجره‌نامه نویسان، نسب نامه شیخ احمد، برادرش محمد سعید و فرزندان آنها را در تایلند چنین ذکر کرده‌اند:

\* در دوران نخست‌وزیری شیخ احمد در تایلند تجار مسلمان قدرت یافتند تا به آزادی و قدرت به بنادر این سرزمین سفر کرده با تجار و دریانوردان هلندی و انگلیسی به رقابت برخیزند.



## \* آخرین فرد از اعقاب شیخ احمد که سمت شیخ الاسلامی سیام را بر عهده داشته، سورن احمد چولا بوده است که تا سال ۱۹۳۲ در این مقام بوده است.



است، یکی در مرکز که عموماً شیعه هستند و سومی در جنوب که با مسلمانان مالزی همسایه هستند و به دلیل همین همسایگی از قدرت و همبستگی بیشتری برخوردارند، برمی‌خوریم. سه جامعه‌ای که از دوران قدرت و نفوذ شیخ احمد، به عنوان دوران طلایی مسلمین در این سرزمین یاد می‌کنند و امیدوارند تا بلکه با اتحاد و انسجام بتوانند با همبستگی با دیگر مسلمانان جهان افتخارات گذشته را مجدداً به دست آورند.

پاورقی

- |                                |                       |
|--------------------------------|-----------------------|
| Chuen .۱۳                      | Yasin Motu .۱         |
| chi .۱۴                        | Chao Phraya .۲        |
| Egatot Sarot .۱۵               | Ayuthaya .۳           |
| Chamuen Sorasakti .۱۶          | Jaran Malulim .۴      |
| songeham .۱۷                   | Mahidol University .۵ |
| Somdag Phra Chao Somg Dhum .۱۸ | Pasak .۶              |
| Somdag Phra Chao Maharg .۱۹    | Lop Buri .۷           |
| Chandra Khasem .۲۰             | Narasuen .۸           |
| Sorn Ahmad Chularate .۲۱       | Pom Peter .۹          |
| Haji Kiasa Chularate .۲۲       | Dai koo .۱۰           |
| Chaosen Sect .۲۳               | Chaosen .۱۱           |
|                                | Obchuay .۱۲           |

نکته مهم در این شجره نامه این است که نام افراد تماماً به تایی ذکر شده و دلیل این البته این است که در تایلند تمام مسلمانان به دو نام زندگی می‌کنند؛ یک نام اسلامی که عموماً عربی است و یک نام تایی که نام رسمی آنها در مکاتبات اداری است. به همین دلیل نام اخلاف مسلمان شیخ احمد در این شجره نامه نیز به صورت تایی ذکر شده است.

از نسب نامه و تاریخچه زندگانی شیخ احمد که بگذریم باید به تأثیری که او در تاریخ تایلند و در سرنوشت مسلمانان منطقه جنوب شرقی آسیا گذاشته است، یاد کنیم.

طی مدت اقامت و قدرت شیخ احمد در سیام؛ تحولات مهمی چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه فرهنگی و اجتماعی در این سرزمین به وقوع پیوست. در این مدت حکومت مستقل سیام تشکیل شده و بر رقبای کوچکش در مناطق اطراف چیره گشت. تمدن سیامی به طور مشخص شکل گرفت و قدرت یافت تا در مقابل تمدنهای خارجی مقاومت کند؛ گرچه در دوران اخیر، استعمار بلایای عظیمی بر این تمدن وارد آورده و آن را از درون نابود ساخته است.

با ورود شیخ احمد به آیوتایا و تشکیل تأسیسات اسلامی توسط وی در این منطقه، برای نخستین بار اسلام به صورت جدی در سرزمین تایلند رواج یافت.

مذهب شیعه و خط عربی و زبان فارسی، به واسطه نفوذ شیخ احمد و پیروانش در سرزمین تایلند گسترش یافت و اصطلاحات اسلامی به زبان فارسی در میان مسلمانان این منطقه رایج شد، چنانچه مسلمانان تایی، نماز را به همین لغت فارسی یعنی «نماز» می‌شناسند و تنها کسانی که عربی می‌دانند، مترادف آن یعنی «صلاة» را بکار می‌برند.

با نابودی آیوتایا در سده هجدهم و با انتقال مرکزیت سیاسی حکومت سیام به بانکوک، بخشی از جامعه اسلامی این سرزمین نیز به بانکوک منتقل شد و گرچه این مهاجرت با انتقال محل حکومتی نوادگان شیخ احمد در دربار سیام نیز همراه بود، اما از آنجایی که بر اثر این مهاجرت میان جامعه مرکزی مسلمانان سیام جدایی افتاد و سلسله سلطنتی نیز به شدت تحت نفوذ سیاستمداران اروپایی قرار گرفت، به تدریج موقعیت مسلمانان در منطقه مرکزی و شمالی تایلند رو به ضعف گذاشت و جامعه اسلامی آیوتایا و بانکوک که عمدتاً از شیعیان تشکیل می‌شد، آرام آرام در انزوا و محاصره قرار گرفت، چنانکه در حال حاضر در سرزمین تایلند به سه جامعه اسلامی، یکی در شمال که با جامعه اسلامی چین در ارتباط